

مسئله ارامنه در امپراطوری عثمانی

درداخل محدوده امپراطوری عثمانی اقلیت‌های متعددی وجود داشت که ارامنه نیز یکی از این اقلیت‌ها بود .

ارامنه اکثراً در نواحی وان van ، بیتلیس Bitlis ، دیار بکر Diyarbakir سیواس Sivas و جنوب کوه‌های توروس و اطراف حلب ساکن بودند .

سلطان محمد فاتح بعد از فتح استانبول پیشوای روحانی ارامنه را از بورسا به استانبول آورد و در کنار «بطریق‌خانه» یونانیها «بطریق‌خانه» (۱) ارامنه نیز برپا شد. این بطریق‌خانه کارهای مربوط به ارامنه را انجام داده و بشکایات آنها رسیدگی کرده و املاک آنها را اداره نموده و عایدات آنها را جمع‌آوری میکرد .

بتدریج بطریق‌خانه ارامنه در مسائل سیاسی نیز نقش مهمی را ایفا میکرد. از قرن نوزدهم ببعده که مسئله ارامنه بوجود آمد بطریق‌خانه ارامنه استانبول نیز در این مسئله سهم مهمی داشت. ارامنه در بین ملل غیرمسلمان از صادق‌ترین اقلیت‌های این امپراطوری بودند.

در میان آنها از نظر دینی اتفاقی وجود نداشت. فرهنگ مستقلی نداشتند و بیشتر تحت تأثیر فرهنگ ترک بودند. باین مناسبت در بین آنها حسن اتحاد ملی چندان

قوی نبود. بعد از فرمان اصلاحات (۱) جای خالی یونانیها را اداره امور کشور آرامنه اشغال کردند و آنان در دستگاه دولتی مقامات عالیة متعددی را اشغال نمودند این مسئله علائق و وابستگی آرامنه را بدولت مستحکم گردانیده بود.

همان طوریکه در قلمرو امپراطوری عثمانی، فرانسویها حامی کاتولیکها و روسها حافظ منافع ارتودوکسها بودند از سالهای ۱۸۴۰ بعد نیز انگلیسها سعی داشتند در داخل امپراطوری عثمانی سیاست کلیسای پروتستان را اعمال نمایند. روی این اصل شروع بافتتاح کلیساهای پروتستان نموده و کالجهای پروتستان را تأسیس کردند و با استفاده از این سیاست کلیسای پروتستان شروع بمداخله در امور داخلی امپراطوری عثمانی نموده و بیش از هر چیز این امر در بین آرامنه مؤثر واقع شده بود زیرا این مؤسسات دینی و فرهنگی برای اولین بار فرهنگ ارمنی را در مد نظر قرار داده و حس ملی آرامنه را تهییج کرده بود (۲) مسئله آرامنه بعد از جنگ بین عثمانی و روس (۱۸۷۸ - ۱۸۷۷) و اشغال شمال شرق آناتولی و شهرهای ارمنی نشین این ناحیه توسط روسها بوجود آمد و برای اولین بار روسها بقصد تأمین نفوذ خود در بین آرامنه شروع به تحریکات نمودند. (۳)

این اوضاع انگلیسیها را بتلاش انداخت زیرا آنان از این ترس داشتند که روسها به بهانه محافظت از آرامنه آناتولی شرقی را تصرف کرده و با استفاده از این

۱ - فرمان اصلاحات در زمان سلطان عبدالمجید اول (معاصر با محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار) در سوم نوامبر ۱۸۳۹ صادر گردید این فرمان راجع باجرای قوانین اسلامی، شریعت و تدوین قوانین جدید و بطور کلی درباره تحولات اجتماعی بوده است.

2 - Enver ziya Karal , OSmanli Tarihi , cilt III . S . 128 , 129

3 - " " " " " " " " S . 126

اراضی نفوذ خود را بوضع مساعدی افزایش داده از يك طرف به اسکندرون و از طرف دیگر به بین النهرین و خلیج فارس مسلط شوند .

بدین ترتیب ابتدا مسئله ارمنه مربوط بخود آنها نبوده بلکه در اثر اختلاف دو دولت بزرگ انگلستان و روسیه در مراحل اولیه بصورت يك مسئله سیاسی بوجود آورده شده بود .

وقتی که دولت عثمانی در جنگ باروسیه مغلوب شد و در ژانویه ۱۸۷۸ مذاکرات متارکه ادرنه آغاز شد شورای خلیفه گری ارمنه تشکیل جلسه داده و بوسیله اسقف کلیسای اچمیازین تقاضاهای زیر را از تزار روس نمود :

۱- الحاق سرزمینهای ارمنی نشین تا کناره های رود فرات به روسیه .

۲- اگر این اراضی به روسیه ملحق نشود نظیر امتیازاتیکه از طرف روسها به بلغارستان داده شده است به ارمنه نیز داده شود .

۳- اگر موضوع مذکور هم عملی نباشد اصلاحات لازم را دولت عثمانی تضمین نماید و تا انجام این اصلاحات سپاه روسیه این قسمت ها را تخلیه نمایند . « (۱) در بین این اصلاحات مورد تقاضا تشکیل نیروهای ارمنی نیز مطرح شده بود . همزمان با این اقدامات بطریق خانه ارمنه بطریق نرسس وارژا بدیان باه کشیش دیگر نامه هایی به رئیس الوزراء روسیه کرچاکف فرستادند . در این تقاضاها تزار روس بعنوان ناجی بزرگ خطاب شده بود در نامه ارسالی بطریق نرسس به تشکیلات کلیسای اچمیازین چنین نوشته شده :

« بایستی به تزار مراجعه نمائیم . امروزه ترکیه در حالیکه قسمتهای مهمی از اراضی خود را از دست داده است ما در زیر دست این دولت هستیم در قسمت آسیا هم برای تصاحب این قسمتها بایستی فعالیت نمائیم .

اگر ترکیه در آن قسمت‌ها هم بماند بعد از این تابع و مطیع روسیه خواهد بود و در هر حال بحمایت روسیه احتیاج داریم . دائماً باید توجه و محبت آن دولت را جلب نمائیم اگر امروز هم نشد دیری نخواهد گذشت که مسئله آسیای ترکیه مطرح خواهد شد و آنوقت ما برای تصاحب سهم خودمان در این مملکت بایستی از حالا فعالیت را آغاز نمائیم» (۱)

در نتیجه این فعالیت‌ها در نزد روسها در ماده ۱۶ قرارداد ایستفانو موادی نوزد باره ارامنه منظور شد بموجب این مواد دولت عثمانی در مورد ارامنه اصلاحاتی انجام خواهد داد و در مقابل بعد از انجام اصلاحات روسیه اراضی اشغالی را تخلیه خواهد کرد اگرچه ارامنه موضوع استقلال را بپیمان کشیدند روسها از ترس آنکه این مسئله سرمشقی برای ارامنه ساکن در محدوده مرزهای خود بشود از توجه باین مسئله خودداری کردند ماده ۶۱ معاهده برلن ماده ۱۶ معاهده ایستفانورا قدری تقلیل داد بموجب این ماده دولت عثمانی تدابیری را که برای اصلاح وضع ارامنه اتخاذ میکند بعضاً باطلاع دول بزرگ خواهد رساند و این دول نسبت به تدابیر فوق نظارت خواهند کرد . این ماده معاهده برلن در مورد به اجرا گذاشتن تدابیر اصلاحاتی بعلت آنکه فشار روسیه را تقلیل میداد برای ارامنه خوش آیند نبود .

ارامنه علیرغم فعالیت فوق‌العاده خود نتوانستند در برلن استقلال بدست بیاورند روی این آزرده‌گی نماینده ارامنه در کنفرانس برلن بطریق اعظم هریمیان چنین می گوید: نمایندگان ارامنه در حق اینکه بدون انقلاب و مبارزه هیچ چیز بدست نخواهد آمد درسهایی آموختند و آنرا با خود به شرق خواهند برد . (۲)

1 - Tarihte Ermeniler ve Ermeni meselesi . Esa t uras S. 207

2 - The Armenian Community . Sarkis Atamian .
New York phical library 1955 , P . 68

یعنی این آزردهگی خاطر ارامنه را بسوی قیام مسلحانه سوق میداد. در حقیقت بعد از معاهدهٔ برلن ارامنه برای تأمین خواسته‌هایشان و قبولاندن آن بدولت عثمانی به مبارزه مسلحانه پرداختند و در قلمرو امپراطوری عثمانی در قفقازیه و در بسیاری از شهرهای اروپا جمعیتها و کمیته‌هایی متعدد ارمنی تشکیل شده بود یکی از معروف‌ترین آنها که روی مرام مارکسیستی در سال ۱۸۸۷ در سویس بوجود آمده بود و از ۱۸۹۰ دامنه فعالیت خود را با ناطولی شرقی گسترش داده بود کمیته هنجاک Hinchak نام داشت.

از سال ۱۸۴۰ بعد در قفقاز نیز جمعیت‌هایی تشکیل شد کمیته دیگری بنام داشناک سعی داشت همه جمعیت‌های دینی موجود در آناطولی و قفقاز و حتی کمیته هنجاک را با یکدیگر متحد بسازد.

کمیته هنجاک در کنگره سال ۱۸۹۶ اساسنامهٔ جمعیت انقلابی هنجاک را مورد تأیید قرار داده و انقلاب را هدف اصلی خود اعلام داشت.

در حالیکه بعد از کنگرهٔ برلن ارامنه با بوجود آوردن تشکیلات بسوی انقلاب مسلحانه پیش میرفت با فعالیتهای گلاستون نخست وزیر انگلستان مسئله ارامنه بصورت یک مشکل بین‌المللی درآمد.

گلاستون بعد از اینکه در سال ۱۸۸۰ اقتدار را در انگلستان بدست گرفت با کمک و همراهی سایر دول اروپائی در یادداشت مشترکی که در ژوئن ۱۸۸۰ به امپراطوری عثمانی تسلیم کرد در مورد انجام اصلاحات لازم درباره ارامنه با استفاده از معاهدهٔ برلن فشار وارد آورد.

دولت عثمانی در جواب این یادداشت مشترك یادآور شد که اصلاحات در حال انجام شدن است ولیکن خواستار شد که تصمیمات متخذه در این راه از طرف ارامنه در اروپا بشکل کاملاً معکوس منعکس شده و ارامنه چنین وانمود کرده‌اند که عوض

اصلاحات آنها را در قلمرو امپراطوری عثمانی قتل عام کرده‌اند و دولت عثمانی خواست که از این شایعات جلوگیری بعمل آید از آنجائیکه سایر کشورهای بزرگ مخصوصاً آلمان، اطریش و فرانسه در این خصوص نمیخواستند بیش از حد ملاحظه نمایند بدین ترتیب انگلستان تنها مانده و این مسئله بدین ترتیب مسکوت ماند و دولت عثمانی نیز به فعالیت های خود برای اصلاح وضع ارامنه ادامه داد.

در سال ۱۸۸۵ الحاق روملی شرقی به بلغارستان ارامنه را دوباره بفعالیت واداشت کمیته های ارمنی در لندن، وین، روسیه و ایران شروع به تبلیغ نموده و ارامنه امپراطوری عثمانی را به عصیان تشویق کردند.

ضمن انتشار اعلامیه‌هایی برای دزدل مختلف خواستار تشکیل حکومت ارمنستان خود مختار شدند این تحریکات ارامنه بی تأثیر نماند در آناتولی ارامنه نیک قیام مسلحانه دست زدند.

در سال ۱۸۸۸ در وان بنابه تحریک بطریق اعظم شورشی بوقوع پیوست که دولت عثمانی بلافاصله آنرا سرکوب کرد.

در ژوئن ۱۸۹۰ در ارضروم نیز قیامی بروز کرد بدنبال آن ارامنه استانبول نیز انقلاب کردند دولت عثمانی عده ای از ارامنه را باتهام جاسوسی در محله گم کاپی واقع در استانبول بقتل رسانید و بدینوسیله بار دیگر دولت عثمانی توانست همه حرکات انقلابی را سرکوب نماید.

در سال ۱۸۹۴ قیام ارامنه برای امپراطوری عثمانی مسئله‌ای مسلم و مخرب شده در اوت ۱۸۹۴ در اطراف بیتلیس، سامسون برخورداردی بین ارامنه و کردها روی داد دولت عثمانی برای مقابله با هر دو عنصر ارمنی و کرد تصمیماتی اتخاذ کرد و این مسئله تمام ارامنه را شورانید.

در نتیجه دولت عثمانی اقدامات شدیدی علیه آنها نمود. با بروز این حوادث

انگلستان دولت عثمانی را در فشار قرارداد و شروع به تهدید نمود .
 سالیزبوری نخست وزیر انگلستان به سعید پاشا صدراعظم عثمانی در ژوئن
 ۱۸۹۵ نامه‌ای نوشته چنین اظهار داشت: «از روزیکه روی کار آمدنم باحیرت مشاهده
 میکنم که افکار مردم انگلستان هر روز بیش از پیش بر علیه دولت عثمانی توسعه پیدا
 میکنند . تصور اینکه امپراطوری عثمانی بیش از این دوام پیدا نخواهد کرد هر روز
 رو به افزایش است»

مسئله ایکه میتواند بادامه موجودیت دولت عثمانی کمک نماید عدم اتفاق
 انگلستان با روسیه است . اگر این اتفاق بسوجود آید پایان کار دولت عثمانی فرا
 خواهد رسید .» (۱)

منظور سالیزبوری از این مطالب جلوگیری از اتکاء دولت عثمانی به روسیه در
 مسئله ارامنه میباشد .

در حقیقت روسها وقتی مشاهده کردند که انگلستان مسئله ارامنه را مسورد
 توجه قرارداد و بآن اهمیت میدهد درصدد مقابله با سیاست انگلستان برآمدند .
 زیرا انگلستان برای خود مختاری ارامنه فعالیت میکرد و اگر ارامنه استقلال خود
 را بدست میآوردند ارامنه مقیم روسیه نیز قیام میکردند .

اساساً کمیته هنگچاک و کمیته داشناک هر دو هدفشان متحد کردن ارامنه عثمانی
 ایران، روسیه و تشکیل حکومت خود مختار ارمنستان بزرگ بود . در مقابل حوادث
 نواحیه سامسون سایر دول مانند انگلستان راضی بشدت عمل در قبال دولت
 عثمانی نبودند .

بنابراین انگلستان تنها هانده برای اصلاح وضع ارامنه در قلمرو امپراطوری
 عثمانی بطریق خانه ارامنه سعی کرد با دولت عثمانی توافق نماید ولی اینکار عملی

نشد و دولت عثمانی بتداییر خود برای سرکوب کردن قیام‌های آرامنه ادامه داد . در سپتامبر ۱۸۹۴ باز اوضاع بحرانی شد آرامنه مقیم استانبول پس از يك تظاهرات خیابانی وسیعی بطرف بایعالی (کاخ صدارت اعظمی) حرکت کردند دولت برای جلوگیری از این حرکت به نیروی نظامی متوسل شد. آرامنه بسوی افراد نظامی شلیک کردند و عده‌ای از سربازان ترك را کشتند بالتیجه سربازان نیز متقابلا بروی تظاهرکنندگان تیراندازی نمودند .

بدنبال این حادثه در سرتاسر استانبول و شهرهای ترابوزان ، ارضروم ، خرپوت دیار بکر ، سیواس ، قاضی آنتب و ماراش عکس‌العمل‌های شدیدی از طرف آرامنه نشان داده شد .

انعکاس این حوادث در اروپا سبب شد که کلیه کمیته‌های ارمنی تبلیغات وسیعی را علیه حکومت عثمانی آغاز نمایند .

انگلیسی‌ها همچنان رهبری و حمایت از آرامنه را به‌عهده داشتند و به تشویق آندولت سایر دول اروپائی نیز برای حمایت اتباع خود ناوگان جنگی با استانبول اعزام داشتند .

انگلستان طرفدار مداخله سریع بودولی روسها مانع این کار شدند . آلمانی‌ها طرفدار حکومت عثمانی بودند . فراسه و اطیش هم از سیاست روس و آلمان پیروی میکردند بدین ترتیب انگلستان باز در اجرای سیاست خود در امپراطوری عثمانی تنها ماند . حکومت عثمانی نیز از این موقعیت استفاده کرد و بار دیگر انقلابات را خوابانیده و صفوف شورشیان را در هم شکست .

دراوت ۱۸۹۶ انقلابیون ارمنی به بانک عثمانی در استانبول حمله بردند با آغاز این یورش باز آرامش شهر استانبول بهم خورد و باب‌عالی تدابیری برای ایجاد امنیت و مجازات آرامنه شورشی اتخاذ نمود . در نتیجه تصادمی که بین شورشیان و نیروهای

مسلح روی داد عده کثیری از ارامنه بقتل رسیدند . انگلستان باردیگر درصدد تهدید دولت عثمانی برآمد ولی نتوانست کاری از پیش ببرد .

این مسئله تا شروع جنگ بین الملل اول هم چنان ادامه داشت ارامنه مقیم اروپا و آمریکا کماکان از تحریک ارامنه و شورانیدن آنها بر علیه حکومت عثمانی خودداری نمیکردند .

قیام ارامنه در سال ۱۹۱۵ و طریقه سرکوب کردن عصیان آنها از حوادث تلخ تاریخ معاصر بشمار میرود . اگرچه این امر بعدها در اتحاد جماهیر شوروی برای عناصر مختلف و در آلمان نازی برای یهودیان بصورت شدیدتری تکرار شد ولی مسئله سرکوب کردن قیام ارامنه مانند حوادث مذکور در یک معیار بزرگ و قابل مقایسه بآنها نیست .

بنابر نوشته بعضی از مورخین ترك نظیر يوسف حكمت بايور (۱) دولت عثمانی برای حفظ موقعیت و برای بقای خود باین امر تن درداد اگر این گفته را قبول نمائیم تنها مسئله ای که مطرح میشود این است که کدام طرف ابتدا مخاصمات را آغاز کرده آیا دولت عثمانی ابتدا بسکون شروع به تبعید و انهدام ارامنه نمود ؟ بعضی از صاحب نظران در این مورد تركها را متهم میکنند و عده دیگر اظهار میدارند سران ارامنه با ایجاد قیامها و عصیانها در مقابل سپاه عثمانی موجبات پیروزی روسها را فراهم ساخته اند .

برای روشن شدن موضوع بهتر است به نوشته سروان فرانسوی لارشه Larcher توجه کنیم : « پیشرفت عملیات نظامی نتایجی در برداشت که تذکر آنها ضروریست البته اینکار وضعی بسیار حساس دارد زیرا دربارهٔ مسؤلیت آنها هنوز بحث و گفتگو

بین ترکها ، ارمنه ، روسها و آلمانیها ادامه دارد .

توضیح ذیل از نظر نظامی اهمیت فوق العاده ای داشته و بعضی از مسائل را روشن و مدلل میسازد .

در منطقه عملیات نظامی ارمنه آشکارا با روسها همکاری میکردند . عده‌ای از عیسویان مقیم حوالی ارضروم در دسامبر ۱۹۱۴ به ماوراء قفقاز کوچ کرده بودند افراد داوطلب برای ورود بدسته‌های ارمنی متشکل از طرف روسها از مرز می‌گذشتند پارتیزانهای ارمنی متوالیاً قسمت های عقب مانده سپاه عثمانی را مورد حمله قرار میدادند . محله ارمنی نشین وان بصورت قلعه‌ای درآمد بود چنانکه توانست مدت يك ماه در مقابل ارتش عثمانی ایستادگی کند .

رفتار ارمنه اینکه در ارتش عثمانی خدمت میکردند مشکوک بنظر میرسید . روی این اصل دولت عثمانی تصمیم گرفت اقدامات اساسی بعمل آورد .

طی فرمانی در دوم ژوئن ۱۹۱۵ موارد ذیل بمورد اجرا گذاشته شد .

- ۱ - افراد نظامی ارمنی از واحدهای مسلح فراخوانده شده بواحدهای غیر مسلح منتقل وبخدمات خارج از صف بپردازند .
 - ۲ - ارمنه را از مناطق عملیات نظامی جمع‌آوری کرده و در سوریه اسکان دهند . این تدابیر که از سال ۱۹۱۵ بموقع اجرا گذاشته شده بود مدت دوسال ادامه داشت .
- اجراء این فرمان در مناطق نظامی بعهده فرماندهان و در سایر نقاط با مأمورین دولتی بود سربازان ارمنی بواحدهای غیرصفی اعزام شده افسران ارمنی نیز به قسمتهای حمل و نقل و انبارداری منتقل شدند .

اهالی ارمنی نیز در حالیکه در معیت افراد ژاندارم بصورت قافله وبطور دسته‌جمعی به حلب و دیاربکر کوچ داده میشدند میبایست ارزاق وما یحتاج خود را نیز تهیه کنند . تعداد این افراد در حدود يك میلیون نفر بود مقامات لشگری ونیز اهالی ترك

رفتار خشنی با آنها داشتند. متأسفانه در نواحی داخلی کار بدینصورت نبود کردها و ژاندارمهای محافظ مردم را بقتل رسانده خستگی مفرط ناشی از راه پیمائی، امراض مسری و فقر تنگدستی باعث مرگ پانصد هزار نفر گردید.

این مهاجرت عیسویان در ایالات شرقی عثمانی از افشاء طرحهای نقل و انتقال قوا و عملیات نظامی جلوگیری بعمل آورد. با وجود این تسویه ارامنه از تشکیلات نظامی باعث شده بود که مخصوصاً سپاه سوم این دولت از نظر مترجم، محاسب، نویسنده و کارگرفنی که اکثراً افسران و سربازان ارمنی باین کارها اشتغال داشتند محروم شود. از طرف دیگر این عمل در منطقه مسیر کوچ باعث ازین رفتن قسمت اعظم مزارع و محصولات گردید.

در نواحی که ارامنه را کوچ داده بودند و جمعیت آن نقاط کم شده بود کردها بآن قسمت تسلط پیدا کردند و این عمل برخلاف مصالح دولت بود هیچگونه اقدامی هم برای جلوگیری از آن بعمل نمیآید در نتیجه مقارن حمله روسها به ارضوم سپاه سوم عثمانی بسیار ضعیف شده بود. (۱)

اگر از آمار و ارقام مبالغه آمیز مقاله فوق صرفنظر شود اینطور استنباط میگردد که دولت عثمانی ناگهان وبدون مقدمه شروع بکوچانیدن ارامنه نمود بلکه باتوجه به تحریکات دول ذینفع ارامنه عسیان را شروع کرده ارتش واهالی هم رفتار خشنی درپیش گرفته اند.

البته نباید فراموش کرد که عسیان ارامنه و کوچانیدن آنها زمانی صورت گرفته است که ارتش عثمانی در يك وضع بسیار مبهمی قرار داشته و هیچ دولتی در چنین مواردی که موقعیت خودش تا این درجه بخطر افتاده باشد نمیتواند امر خطرناکی نظیر این مسئله را پیش کشیده و حادثه ای را از هیچ بوجود آورد.